

نگرشی بر مؤلفه‌های بیانی سبکساز در اشعار شفیعی شیرازی

عاطفه آب‌آذر، عباس نیکبخت*، محمدمیر مشهدی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

سال هجدهم، شماره نهم، آذر ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۵، صص ۵۴-۳۷

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2025.18.7948>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: مقوله بیان جزء لاینفک آثار ادبی است به گونه‌ای که در شعر سنتی و جدید نمود آن را میتوان مشاهده کرد. در واقع باید گفت که اگر شاعری هم صاحب سبک نباشد با بهره‌گیری از عنصر صور خیال میتواند اثرش را متمایز سازد. شفیعی شیرازی از آن دسته از شاعرانی است که به خوبی از عهده این مسأله برآمده و اثرش را در عالم شعر برجسته ساخته است. در این پژوهش هر یک از مباحث صورخیال در دیوان شفیعی شیرازی از تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه در بخش‌های با ارائه شواهدی از اشعار وی، پژوهش شده و مسائل بیانی اشعار شفیعی شیرازی را به گونه‌ای مبسوط در ابعاد مختلف باز نموده و ارائه شده است.

روش پژوهش: پژوهش پیش رو، مطالعه‌ای نظری است که داده‌های آن از اسناد کتابخانه‌ای به دست آمده و با تلفیقی از روش توصیفی – تحلیلی و آماری (ذکر بسامد هر یک از انواع بیان) بررسی و تحلیل شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داده است که شفیعی شیرازی در حوزه بیان و صور بلاغی، توانمند و صاحب هنر ظاهر شده است و به راستی که در همه حوزه‌های صورخیال به ویژه انواع تشبیه، سرآمد شاعران زمان خود بوده است. پژوهش در مسائل بیانی دیوان اشعار او ما را به توانایی‌های او در آفرینش و پردازش انواع صورخیال آگاه میکند.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان میدهد که انواع تشبیه از جمله تمثیل، بلیغ، مجمل، مفصل، مفرد به مفرد، حسی به حسی، عقلی به حسی و ... پرسامدترین مؤلفه‌های بیانی در اشعار شفیعی شیرازی است. دیگر مؤلفه‌های بیانی چون استعاره، کنایه و مجاز در شعر وی از بسامد کم‌تری برخوردار است که جای هیچ‌خرده‌ای بر شاعر نیست چرا که شاعر بار ادبی بودن اثرش را متناسب با سبک شعری دوره اش و به موازای آن با تشبیه به خوبی ادا کرده است.

تاریخ دریافت: ۲۰ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۲۱ تیر ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۰۷ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۱ شهریور ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

سبک هندی، بیان، شفیعی شیرازی، دیوان اشعار

* نویسنده مسئول:

✉ nikbakht-a@lihu.usb.ac.ir

☎ ۳۱۱۳۲۵۰۵ (+۹۸ ۵۴)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

An Perspective on the Stylistic Expressional Components in the Poems of Shafi'i Shirazi

A. Abazar, A. Nikbakht*, M.A Mashhadi

Department of Persian Language and Literature, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 10 June 2025

Reviewed: 12 July 2025

Revised: 29 July 2025

Accepted: 12 September 2025

KEYWORDS

Indian style, expression, Shafi'i Shirazi, Diwan of poem

*Corresponding Author

✉ nikbakht-a@lihu.usb.ac.ir

☎ (+98 54) 31132505

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The category of expression is an inseparable part of literary works, as can be seen in traditional and modern poetry. In fact, it should be said that even if a poet does not have a style, he can distinguish his work by using the element of figurative language. Shafi'i Shirazi is one of those poets who has overcome this issue well and made his work prominent in the world of poetry. In this study, each of the topics of figurative language in Shafi'i Shirazi's Divan, such as simile, metaphor, simile, and allusion, has been researched in sections by providing evidence from his poems, and the expressive issues of Shafi'i Shirazi's poems have been opened and presented in detail in different dimensions.

METHODOLOGY: The present study is a theoretical study whose data was obtained from library documents and was examined and analyzed with a combination of descriptive-analytical and statistical methods (mentioning the frequency of each type of expression).

FINDINGS: The findings have shown that Shafi'i Shirazi has appeared capable and artistic in the field of expression and rhetorical forms, and indeed, in all areas of figurative forms, especially types of simile, he has been the leader of the poets of his time. Research into the expressive issues of his poetry collection informs us of his abilities in creating and processing various figurative forms.

CONCLUSION: The results of the research show that types of similes, including allegory, eloquence, conciseness, detail, singular to singular, sensory to sensory, rational to sensory, and ... are the most frequent expressive components in Shafi'i Shirazi's poems. Other expressive components such as metaphor, allusion, and allegory have a lower frequency in his poetry, which is not a criticism of the poet, because the poet has well fulfilled the literary burden of his work in accordance with the poetic style of his period and in parallel with it, simile.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2025.18.7948>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 26	 7	 0

مقدمه

یکی از هنجارهای متعارف و مرسوم خلق زیبایی در شعر بهره‌گیری از علم بلاغت است که این علم قدمتی به اندازه عمر این زبان دارد و بر سه قسم است که یکی از مهم‌ترین اقسام آن علم بیان می‌باشد بیان منصفی برای ظهور صورت‌های خیالی است که شاعر از این طریق تاثیر کلام خود را دوجندان ساخته و سخن وی از نفوذ بیشتری برخوردار گشته و در نهایت موجب گیرایی بیشتر کلامش میگردد صورخیال یعنی شکلهای مختلف تخیل که شعر را با مفهومی خیالی و تصویری همراه می‌سازد زیرا عنصر معنوی شعر در همه زبانه‌ها و در همه ادوار، همین خیال و شیوه تصور ذهن شاعر در نشان دادن واقعیات مادی و معنوی است و رمینۀ اصلی شعر از صور گوناگون و بیکرانۀ این نوع تصرفات ذهنی تشکیل میدهد. خیال یا تصور، همان کوشش ذهنی شاعر است که برای برقراری نسبت میان انسان و طبیعت انجام میدهد و شعر اگر با تخیل همراه نباشد سخن موزون است که شعر حقیقی محسوب نمیشود. پس عناصر صورخیال از جمله: استعاره، کنایه، تشبیه و مجاز با انواع مختلفی که دارند، شعر را خیال‌انگیز کرده به آن مفهوم واقعی می‌بخشد (ر.ک: اسکندری، ۱۳۵۱: ۳). یکی از جلوه‌های ذوق هر شاعر بزرگی، قدرت تخیل اوست که شاعر هنرآفرین با روحی لطیف و حساس از پدیده‌های زیبای طبیعت متأثر گشته و تصویرهای خیال‌آمیز می‌آفریند (ر.ک: قره داغی کراله و خسروی، ۱۳۹۶: ۲۳۰). بیان سنتی صورخیال را در چهار مورد بیان شده میدانست اما امروز علاوه بر موارد مذکور ایهام، پارادوکس، تلمیح و..... می‌باشد. در واقع میتوان گفت که بیان معیار ارزش و اعتبار هنری شعر است.

بی‌توجهی شاهان صفوی نسبت به ادب غنایی سبب مهاجرت شاعران ایرانی به سرزمین هند شد و دلیل دیگر این مهاجرت این بود که شاهان گورکانی با تشویق و ترغیب شاعران فارسی زبان محفل شعر و شاعری را گرم نگه داشته بودند و این باعث به وجود آمدن سبک هندی با مشخصه‌های خاص خود شد (ر.ک: محمدی مقدم، ۱۳۹۲: ۱). توجه بیش و بسیار به مضمون آفرینی و نکته سنجی و کشف نکات تازه و مضامین نو و باریک از مهمترین مشغله‌های ذهنی شاعران سبک هندی بوده است. «مشکل‌پسندی و گرایش به سوی پیچیدگی گویی شاعر را به تلاشهای سخت برای دستیابی به معنی و مضمون تازه وادار میکند. کوشش برای یافتن چنین مضامینی یکی از دغدغه‌های بزرگ شاعران سبک هندی است.» (فتوحی، ۱۳۷۹: ۳۸). تصویرسازی را باید یکی از ویژگیهای بارز و برجسته شعرای سبک هندی دانست. جوهره این سبک را خیالهای شعری و صناعات مجازی و شگردهای تصویری شکل میدهد. شفیعی شیرازی از جمله شاعرانی است که از سبک هندی پیروی کرده است. وی با ذهن خلاق خویش تخیل را با هنرنمایی کلامی درهم آمیخته و سخنش را در قالب عناصر تصویرآفرینی چون تشبیه، استعاره، کنایه و ... بیان میکند. اشعار شفیعی شیرازی از هرجهت شایسته تحلیل و بررسی است و در ادامه هر مبحث به صورت مختصر و جداگانه توضیحی داده میشود و شاهد مثال‌هایی در ذیل هر کدام از این مباحث ارائه میگردد.

سوالهای پژوهش

- ۱- کیفیت بهره‌گیری شفیعی شیرازی از عنصر مؤلفه‌های بیانی برچه مبنایی است؟
- ۲- کدام یک از مؤلفه‌های بیانی در دیوان شفیعی شیرازی بیشترین بسامد را دارد؟

اهداف پژوهش

- ۱- آشنایی با اشعار شفیعی شیرازی برپایه مؤلفه‌های بیانی
- ۲- چگونگی بکارگیری شاعر از مؤلفه‌های بیانی در اشعارش

روش پژوهش

این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و روش سندکاوی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش دیوان شفیعی شیرازی است و نمونه‌ها و مصادیق مرتبط به مؤلفه‌های از آن استخراج و تحلیل شده است. لازم به ذکر است شاهد مثالها در حد گنجایش مقاله ارائه گردیده است.

پیشینه پژوهش

درباره بیان و صورخیال کتاب‌ها و مقالات فراوانی از دیدگاه بلاغی و سبک‌شناختی به ویژه در پیوند با متن پژوهی تألیف شده ولی در حیطه جستجوهای نگارندگان که با امکانات رایج انجام گرفته تا به حال پژوهش مستقلی در اشعار شفیعی شیرازی صورت نگرفته است و این پژوهش به نوبه خود می‌تواند اولین پژوهش در این راستا تلقی گردد.

۱- تشبیه

وصف کردن چیزی به چیزهای مشابه و نزدیک بدان از یک جهت یا جهات مختلف (ر.ک: ابن رشیق قیروانی، ۱۹۵۳: ج ۱/ ۲۸۶). به عبارت دیگر «مانند نمودن چیزی به چیزی در معنایی با ادوات خاص به عبارت دیگر بیان مشارکت دو چیز است در وصفی از اوصاف به توسط الفاظ مخصوص». (ر.ک: رجائی، ۱۳۷۲: ۲۴۴)

تشبیه اولین و اصیلترین مؤلفه بیانی است به گونه‌ای که این مؤلفه گاهی اوقات آثار ادبی را سبک‌ساز می‌سازد و در تمام ادوار ادبی هر برهه این مؤلفه نمود یافته است با بررسی اشعار شفیعی شیرازی میتوان دریافت که شاعر به این مؤلفه بیشتر از سایر مؤلفه‌ها بیانی علاقه داشته و بسامد این مؤلفه در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها بیشتر می‌باشد.

انواع تشبیه به اعتبار ساختار ظاهری

تشبیه بلیغ

با یک سیر کلی در تشبیهات شفیعی شیرازی، میتوان به این نکته دست یافت که بیشترین سهم کاربردی و آماری در حوزه تشبیه تبلیغ و از نوع اضافه تشبیهی است که در آن مشبه و مشبه به، به هم اضافه شده‌اند.

دامن آلوده مکن چار قُب هستی را
جامه عاریه را پاک نگه باید داشت
(شفیعی شیرازی، ۱۳۷۲: ۷۲)

هستی که مشبه است به چار قُب و لباس امیران (مشبه به) مانند شده است

دل از طفیل اشک به هر سو دود اثر
تا چند این پدر سراغ پسر دارد
(همان: ۱۰۲)

اشک مشبه است که به طفیل مشبه به مانند شده است.

تشبیه تسویه: «عکس تشبیه جمع است یعنی چند چیز را به یک چیز تشبیه کنند.» (همای، ۱۳۶۸: ۲۳۷)

نوبر نکرده است دو رنگی دل اثر
خونش به جوش تا بد و نیک است چون حنا
(همان: ۱۹۸)

آن جهان هنر و عدل که چون صبح دوم
میتوان از نفسش چید گل صدق و صفا
(همان: ۲۰۳)

جهان هنر و عدل (مشبه‌ها) به صبح (مشبه به) مانند شده است.

تشبیه جمع: «آن است که دارای چند مشبه به و یک مشبه باشد.» (هاشمی، ۱۳۸۷: ۲۶)

در دیده‌ام خیال قد چون صنوبرش سروی بود که جا لب جو گرفته است
(همان: ۶۲)

قد یار که مشبه است به صنوبر و سرو قد کشیده در کنار جو مانند شده است.

تشبیه مفروق: «گرد آوردن هر مشبه با مشبه به است» (هاشمی، ۱۳۸۷: ۲۵)

به عبارت ساده تر یک مشبه و مشبه به ذکر کنند و در عقب آن یک مشبه و مشبه به دیگر.

چشم نرگس، زلف سنبل، قد صنوبر، چهره گل هر که او را دید شرح گلستان انشاء میکند
(همان: ۸۶)

در این مصراع چهار تشبیه آمده است که چشم به نرگس، زلف به سنبل، قد به صنوبر و چهره به گل مانند شده است.

در تابه فلک زطمعه‌های خام او خورشید بیضه ایست که صبحش سفیده است
(همان: ۱۸۰)

تشبیه بیضه به خورشید و تشبیه سفیده به صبح هر دو تشبیه مفروق هستند که مشبه به به همراه مشبه خود آمده است.

تشبیه ملفوف: چند مشبه (حداقل دوتا) جداگانه ذکر شود و سپس مشبه به های هر کدام گفته شود این گونه تشبیه مبتنی بر صنعت لف و نشر است. (شمیسا، ۱۳۹۸: ۴۷)

در گلشن جهان مکن اظهار عقل و هوش باید همین چو نرگس و گل بود چشم و گوش
(همان: ۱۱۷)

جهان به گلشن مانند شده است و در مصرع دوم ابتدا دو مشبه به آمده است و سپس مشبه ذکر شده است که چشم به نرگس و گل به گوش، مانند شده است.

نگیرد بخت دانا دامن صبح فراغت را چو روز و شب حضوری نیست با هم عقل و دولت را
(همان: ۱۸۷)

شاعر تشبیه ملفوف را در این بیت به شکل زیبایی ترسیم میکند که برای خوانندگان جذابیت بیشتری دارد. وی میگوید: بخت و اقبال آگاه و دانا دامن روشنایی صبح آسودگی را نمیگیرد چون همان گونه که عقل و دولت با روز و شب همراه نیستند. شفیعی شیرازی دولت (مشبه) را به روز (مشبه به) مانند کرده است و عقل (مشبه) را به شب (مشبه به) تشبیه کرده است.

تشبیه تفضیل: «آن است که نخست تشبیه کنند. پس از فراغت از تشبیه، مشبه را به مشبه به تفضیل و ترجیح دهند.» (همای، ۱۳۶۸: ۲۳۶) در واقع در این تشبیه گوینده مشبه را بر مشبه به نوعی برتری میبخشد.

صفحه را کلکم تجلی دار کرد از مطلعی کز فروغش پرتو خورشید باشد چون سها
(شفیعی شیرازی، ۱۳۷۲: ۱۰۸)

پرتو کلک شاعر آن قدر نظرگیر است که پرتو خورشید در برابر چهره یار، چون ستاره باریک سها کم فروغ است.

حَـبْـذَا تالار شاهنشاه گردون بارگاه کز فلک لاف بزرگی پیش طاقش بد نماست
(همان: ۲۸۱)

شکوه تالار پادشاه، چون بارگاه گردون آن قدر با عظمت است که فلک نمی تواند در برابر آن لاف بزرگی بزند. **تشبیه مضمیر:** آن است که ظاهر شعر یا عبارت، نشان دهنده تشبیه نباشد اما از مضمون آن مطلب قابل استنباط باشد و بیت یا عبارت، بدون دلالت ظاهری بر تشبیه، متضمن تشبیهی زیبا و عالی باشد.

از برای ضعف دل تدبیر دیگر قحط نیست گر نباشد نکته زلف تو عنبر قحط نیست
(همان: ۶۸)

نکته و بوی خوش زلف یار، تدبیر و داروی ضعف دل است.

در سیه روزی تلف شد مایه عمر اثر جوید آب زندگانی هر که شد جویای تو
(همان: ۱۴۳)

در این بیت، یار (مشبه) به صورت پوشیده به آب زندگانی (مشبه‌به) مانده است که دست نیافتنی است. **تشبیه تمثیل:** تمثیل از شاخه‌های تشبیه است که در بلاغت فارسی تعاریف گوناگون و پراکنده داشته است و چنین میگویند: «تمثیل در اصل نوعی تشبیه مرکب است و عبارت از این که شاعر یا نویسنده برای تفهیم و اثبات معنا و موضوع ذهنی خود مثال و نمونه‌ای عینی و محسوس می‌آورد و میان آن دو رابط، شباهت ایجاد میکند بدین نحو که موضوع ذهنی در حکم مشبه و مثال عینی و محسوس در حکم مشبه به قرار میگیرد» (مرتضایی، ۱۳۹۰: ۳۳).

زمی گرفتن بالقوه‌ات کدو گل کرد که بی گناه نیامد به پای دار سری

(شفیعی شیرازی، ۱۳۷۲: ۱۵۶)

با گرفتن می مرغوب از کدو، باعث گردید که کدو مورد تحسین و تمجید قرار گیرد، در واقع کدو این قابلیت را داشت و این امر بدان میماند که انسان بیگناه هیچگاه به پای محکمه دار نمی‌آید مصراع دوم در تصدیق و تایید مصراع اول است.

رفت از تلاش عقل جنون هستیم به باد ده را کند خراب نزاع دو کد خدا

(همان: ۱۹۸)

توأم بودن عقل و جنون در طریق حیات موجب فنا شدن هستی انسان میگردد چنان اداره شدن یک ده بوسیله دو کد خدا موجب سیرقه‌قرایی امور ده میگردد مصراع دوم در تایید و تصدیق مصراع اول است.

تشبیه معکوس (مقلوب): برای این نوع تشبیه تعاریف گوناگونی بیان شده اما کاملترین و دقیقترین تعریف را کاشفی سبزواری آورده است: «و آن چنان باشد که اول چیزی را به چیزی تشبیه کنند، به وجهی، بعد از آن مشبه به را وجهی دیگر به مشبه تشبیه کنند، چنان که هردو به عکس مذکور گردد» (واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۰۸).

کهر با گردد آب به رنگ یاقوت از صفا جوهر یاقوت میگردد به رنگ کهر با

(همان: ۱۹۶)

در مصراع اول کهر با به رنگ یاقوت مانده است و در مصرع دوم، جوهر یاقوت به رنگ کهر با مانده شده است.

جدول شماره ۱: تشبیه از لحاظ شکل ظاهری

نوع تشبیه	بسامد	درصد
مفروق	۲	۰/۵
مضمّر	۱۵	۳/۷۵
ملفوف	۱	۰/۲۵
تفضیل	۱۰	۲/۵
جمع	۳	۰/۷۵
مشروط	۰	۰
مقلوب	۱	۰/۲۵
تسویه	۳	۰/۷۵
بلیغ	۲۵۰	۶۲/۵
تمثیل	۱۱۵	۲۸/۷۵
مجموع	۴۰۰	۱۰۰

انواع تشبیه به اعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن: در این حیطه اصولاً مفرد و مقید بودن تشبیه به نوعی با هم، همپوشانی دارند مفرد تصور و تصویر یک هیئت و یک چیز است به عبارت ساده‌تر یک واژه است که گاهی اوقات ممکن است مقید هم شود اما مرکب نقطه مقابل مفرد است هیئتی منتزع از چند چیز است همچون تابلویی که در بوجود آمدن آن چیزهای گوناگون نقش داشته، به اشعار شفیعی شیرازی که از این زاویه نگریسته شده موارد ذیل نمود داشته و در ادامه بسامد آن‌ها به صورت جدول ذکر گردید.

تشبیه مفرد به مفرد

مفرد مجرد به مفرد مجرد

از سخت دل مخواه چو مرمر ملایمت آبی که سنگ شد نشود بار دیگر آب
(شفیعی شیرازی، ۱۳۷۲: ۵۴)

گر به نهی باده فرمانش رسد مخمور را چون حبابی مینماید سرنگون ساغر در آب
(همان: ۲۰۷)

مفرد مقید به مفرد مجرد

در خانه میل نعمت الوان نمی کند صفرای او چو بور به کشکی بریده است
(همان: ۱۸۰)

نشد که تیغ ملا مت گره‌گشایان را بسرکشی نرود هفته‌ای چو ناخن گیر
(همان: ۲۲۱)

مفرد مجرد به مفرد مقید

امساک را چو روزه وا جب قضا کند هرجا که ببند از فقرا خواجه دیگ جوش
(همان: ۱۱۷)

مطلعی چون <u>شعله آه</u> از دلم شد رونما (همان: ۱۹۲)	باز کلک نکته سنجم گفتگو از سر گرفت
مفرد مقید به مفرد مقید	
به آشتی کند از ناز اگر اشاره هلالش (همان: ۱۱۷)	د هد فلک <u>مه نو</u> را چو <u>نعل کهنه</u> به حلوا
نماید <u>عقد پروین</u> در نظر چون <u>پنجه جهان</u> (همان: ۲۸۴)	ز بس خون کرده در دل طره آن چرخ مینا را
عقد پروین که مشبه و مفرد مقید است به پنجه جهان که مفرد مقید و مشبه به است؛ تشبیه شده است.	
تشبیه مرکب به مرکب	
همچو موج آواره در عالم ز پهلوی همند (همان: ۸۲)	در گریز از غیر غیری هم ازیشان درگریز
ضرورت گریزان شدن از غیر که مشبه مرکب است به موج آواره در عالم که در کنار همند مانند شده است.	
که چون چپ راست نتواند جدا کردن به زور از هم (همان: ۱۲۸)	گر افتد با بدان هم دوستی ربط آن چنان باید
وفاداری در دوستی حتی با بدان که تشبیه مرکب است به چپ که راست نمیشود و به زور از هم جدا نمیشوند مانند شده است.	
مرکب به مفرد مجرد	
به زیر خرقه قصب پوش همچو بادام است (همان: ۷۱)	ز وضع ظاهر صوفی مخور فریب که او
مرکب به مفرد مقید	
همچو بادامی که بهر تقویت بو میدهند (همان: ۸۶)	ز آتش می گشت چشم کافرش دلخواه تر
چو ساحری که زچرخ آورد ستاره به زیر (همان: ۲۲۱)	روان کند نگهش خون زچشم سزگدلان
مفرد مجرد به مرکب	
عشقم چو عندلیب همین نیست بهار (همان: ۱۸۶)	محوم به سرو خویش چو قمری به چارفصل
مفرد مقید به مرکب	
آینه است مانده از آینه دان جدا (همان: ۵۱)	آغوشم از تو خالی و اندام دلکشت
گرچه همچو کعبتین از شش جهت نقش نشست (همان: ۶۵)	نقش خودبین به دوران مدعا نقشی بیست

جدول شماره ۲: تشبیه به اعتبار مفرد، مقید و مرکب

تشبیه	مفرد		مقید		مرکب	
	پسامد	درصد	پسامد	درصد	پسامد	درصد
مفرد	۱۵۶	۲۷/۳۶	۸۸	۱۵/۴۳	۵	۰/۸۷
مقید	۱۲۷	۲۲/۲۸	۱۳۱	۲۲/۹۸	۱	۰/۱۷
مرکب	۱۵	۲/۶۳	۱۷	۲/۹۸	۳۰	۵/۲۶
مجموع	۵۷۰					

تشبیه به اعتبار طرفین

حسی به حسی: در این نوع تشبیه، هم مشبه هم مشبه به، هردو حسن یعنی محسوس و قابل درک به وسیله یکی از حواس پنجگانه ظاهری میباشند و به طور کلی میتوان گفت که این دو رکن باید وجود عینی داشته باشند (ر.ک: قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۸). شفیعی شیرازی به وفور از تشبیهات حسی به حسی استفاده کرده است به گونه‌ای که کمتر شاعری در این دوره میتوان یافت که به اندازه او از تشبیهات گسترده حسی بهره گرفته باشد.

همچو مجمر رخنه صد جا داد بر خود آسمان تا بریزد از هم ارکانش ز آه آتشین
(شفیعی شیرازی، ۱۳۷۲: ۱۸۳)

تشبیه آسمان (مشبه) به مجمر رخنه دار (مشبه به) هر دو محسوس هستند و قابل رؤیت هستند.

بسکه چو مهر از سجودش جبهه نورانی شود هر که می‌آید از این درگاه میارد صفا
(همان: ۱۹۰)

نورانی شدن پیشانی (مشبه) به مهر (مشبه به) مانند شده است که حضور در درگاه حضرت دوست، باعث صفا و نورانیت میشود.

عقلی به عقلی: تشبیه معقول به معقول آن است که طرفین تشبیه هر دو از امور نامحسوس باشند و «و دو امر معنوی و عقلی به همدیگر مانند شوند» (ر.ک: تجلیل، ۱۳۷۰: ۴۱). قاعدتا این نوع تشبیه در اشعار شفیعی شیرازی نادر است.

حسود جاه تو را بسته است راه گریز نمی‌تواند چون بغض پیش و پس جست
(همان: ۲۵۲)

بس قبله من شیوه عاشق کشی در همه مذهب چو ستم نارواست
(همان: ۶۰)

عقلی به حسی: این نوع تشبیه رایجترین نوع تشبیه است زیرا غرض از تشبیه تقریر و توضیح حال مشبه است و اگر مشبه به محسوس باشد، مشبه معقول به خوبی در ذهن مجسم و تبیین میشود (ر.ک: شمیسا، ۱۳۹۸: ۳۷).

چون در آمد سروش از پا بر سر بالین داشت مهربانی همچو شمع کشته غیر از دود و آه
(همان: ۱۸۳)

قدسیان چون دانه‌های سبزه پس میروند تا نگرداند رو از درگاه آن مقتدا
(شفیعی شیرازی، ۱۳۷۲: ۱۹۰)

حسی به عقلی: با توجه به مشبه به معقول این نوع تشبیه به خوبی بیانگر اغراض و مقصود تشبیه نمیباشد چرا که مشبه به حسی میتواند این امر را تبیین کند و در اشعار شفیعی‌ای نیز با بسامد کمی مواجه است.

همچو مژگان رو بهم آورده گرم شیونند بر سر چشم و چراغ مصطفی کروبیان (همان: ۱۸۲)

تشبیه کروبیان به مژگان، محسوس به معقول است که در آن کروبیان که آسمان نشینند؛ چون مژگان گرد آمده‌اند.

بسکه باشد با صفا چون خاطر اهل یقین صبح پنداری در آن چار جانب شد عیان (همان: ۲۸۷)

تشبیه صبح به خاطر اهل یقین، تشبیه حسی به معقول است که وجه شبه آن، با صفا بودن هر دو است. خاطر اهل یقین، معقول و ناپیدا است.

جدول شماره ۳: تشبیه به اعتبار طرفین

تشبیه	بسامد	درصد
حسی به حسی	۴۳۰	۵۹/۹۷
عقلی به عقلی	۲۱	۲/۹۲
عقلی به حسی	۲۳۵	۳۲/۷۷
حسی به عقلی	۳۱	۴/۳۲
مجموع	۷۱۷	۱۰۰

تشبیه به اعتبار وجه شبه

تشبیه مجمل: در این شکل تشبیه، وجه شبه را حذف میکنند اما سایر ارکان آن را ذکر میکنند و حذف وجه شبه باعث می‌گردد تا چنین کلامی تخیلی و زیبا شود و در ذهن ایجاد تصویر نماید.

حیات عاریه را جسم مرکب سفر است که عمر ما ز عناصر چو تیر چارپر است (همان: ۸۵)

عمر به تیر چارپر مانند شده است و گذرا بودن و سرعت عمر وجه شبه آن است که محذوف است.

نیست پامال خلق کج رفتار راهرو در شکنجه چون جاده است (همان: ۶۰)

راهرو به جاده تشبیه شده است که باریکی و طولانی بودن هر دو وجه شبه است.

تشبیه مفصل: ذکر کردن وجه شبه در تشبیه بیانگر این نوع تشبیه است که زیبایی آن نسبت به مجمل کمتر است چنانکه واژگان واجب و روشن در ابیات ذیل شاهد و مثال‌هایی در این راستاست.

دیدن احباب بر من بود وا جب همچو حج چند روزی داشتم در صحبت ایشان قرار (همان: ۲۳۸)

کرد ماهر در ریاضی دانیم ابروی یار شد به من چون روز روشن معنی قوس النهار (همان: ۲۳۶)

جدول شماره ۴: تشبیه به لحاظ وجه شبه

تشبیه	بسامد	درصد
مجمل	۵۴۰	۷۲
مفصل	۲۱۰	۲۸

۲- **مجاز**: هرگاه واژه‌ای در معنی اصلی خود به کار نرود با مجاز مواجه‌ایم مجاز دایره گسترده‌ای دارد و مختص به ادبیات نیست اما از آنجایی که بحث مجاز در بیان به جهت تبیین استعاره که مهمترین نوع مجاز است مطرح میکنند شاکله ادبی نیز به خود گرفته است (ر.ک: شمیسا، ۱۳۹۸: ۲۳).

مجاز به علاقه حال و محل (ظرف و مظروف): به کار بردن جای و جایگیر به جای هم.

به تیغش ای دل صدپاره میدانم سری داری به رنگ استخوان شیرماهی جوهری داری
(شفیعی شیرازی، ۱۳۷۲: ۱۹۲)

سرمجاز از قصد و نیت

دلَم گرفت ز زاهد کجاست مینایی فسرده است مرا طرفه خشک سرمای
(همان: ۱۵۶)

مینا مجاز از شراب

مجاز به علاقه عام و خاص: ذکر خاص و اراده عام یا برعکس.

لب ببندد در کشف ما صوفی که تا دم میزنی شرح کشافی ز بهرت هر یک انشا کرده‌اند
(همان: ۹۱)

کشف اثر مختص زمشخری است که در اینجا مجاز از کتاب به طور عام

مجاز به علاقه سببیت: یعنی سبب را بگوییم و مسبب را اراده کنیم یا بالعکس.

میسوختم در آتش سودا سپندسان میریختم سرشک جگرگون کباب‌وار
(همان: ۲۱۳)

سودا مجاز از عشق

مجاز به علاقه آلیت: در این نوع مجاز ابزار و وسیله انجام کاری ذکر شود و خود کار و به جود آمدن آن اراده گردد.

به عزم کوی تو گر نیست پای آمدنم همین که میروم از خویشتن بس است مرا
(همان: ۳۹)

پای مجاز از توان و قدرت

مجاز به علاقه لازمیت و ملزومیت: به کار بردن لازم و ملزومی به جای یکدیگر بیانگر این نوع مجاز است.

از شفاعت نامه ها را میکند لطفش سفید ظلمت از رخسار شب شوید سفیداب به بحر
(همان: ۲۱۸)

سفید مجاز از پاک

مجاز به علاقه جنس: یعنی جنس چیزی را بگویند و خود آن چیز را اراده کنند.

اگر از تشنگی مرده است مخمور نخواهد برد نام آب انگور (همان: ۲۶۳)

آب انگور مجاز از شراب

جدول شماره ۵: مجاز

مجاز به علاقه	حال و محل	عام و خاص	سببیت	آلیت	لازم و ملزوم	جنس	مجموع
بسامد	۳۰	۵	۱	۱	۱	۱۵	۵۳
درصد	۵۶/۶۰	۹/۴۳	۱/۸۸	۱/۸۸	۱/۸۸	۲۸/۳۰	۱۰۰

۳- کنایه: آن است که لفظ «برمعنایی دلالت کند که بتوان آن را هم بر جنبه حقیقی و هم بر جنبه مجازی حمل کرد، البته به شرط وجود صفتی مشترک میان معنای حقیقی و مجازی» (ابن اثیر جزری، ۱۹۹۹م: ۱۸۳). نکته حائز اهمیت در ارتباط با کنایه این است که این صنعت به دلیل استدلالی بودنش هم عاطفه هم عقل را تحت شعاع قرار میدهد چنان که وحیدیان کامیار در این باره میگوید: «دیگر صورخیال چون تشبیه، استعاره و ... فقط در عاطفه تاثیر دارند، اما کنایه به دلیل استدلالی بودنش، هم در عاطفه تاثیر دارد هم در عقل.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۵: ۶۹).

کنایه از موصوف: در این نوع کنایه صفت یا صفاتی را ذکر کنند و موصوف را کنایه کنند.

کی دهد رو مومیایی را وصال اهل درد تا نیفتد چون شرار از صحبت خارا جدا (شفیعی شیرازی، ۱۳۷۲: ۱۹۲)

خارا کنایه از نامحرمان

زاهد خشکم زند طعن از ره تردامنی همچو عقرب دشمن جان منست این کشتنی (همان: ۱۵۱)

کشتنی کنایه از زاهد

کنایه از صفت: گاهی کلمه معنی نهاده خود را دارد و صفتی است که موصوف خود را وصف یا تعریف منطقی میکند. (ر.ک: ثروتیان، ۱۳۸۳: ۲۹۵) و به تعبیر دیگر مکنی به (الفاظ و معنای ظاهری) صفتی است که باید از آن متوجه صفت دیگر یعنی مکنی عنه (معنای مقصود) شد. (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۳۷)

نرود گرسنه چشمی اثر زطبع حریص همچو شاهین اجل طمع نه سازد سیرش (شفیعی شیرازی، ۱۳۷۲: ۱۲۱)

گرسنه چشم کنایه از حریص و ممسک

جسدها شد از گرز کین مضمحل بسیج از خدنگ یلان مرغ دل (همان: ۲۶۵)

مرغ دل کنایه از بی‌دل، ترسو

کنایه از فعل یا مصدر: در این نوع کنایه فعلی یا مصدری یا جمله‌ای در معنای فعل یا مصدر دیگر به کار رفته باشد. (ر.ک: علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۴۰۲: ۱۳۴).

اثر تا گفتگوی غیر سنجید باز نظم را
خیال پخته را از من به نرخ خام می گیرد
 (همان: ۹۹)

خیال پخته را به نرخ خام گرفتن کنایه از سود جویی کردن از شا
 همیشه گرم چو طنبور بود صحبت ما
نگشت بی سر خرکوک ساز عشرت ما
 (همان: ۴۹)

بی سرخرکوک نبودن ساز عشرت کنایه از همیشه آماده و مهیا بودن عش

جدول شماره ۶: کنایه

انواع کنایه	بسامد	درصد
موصوف	۷۳	۳۷/۰۵
صفت	۶۵	۳۲/۹۹
فعلی	۵۹	۲۹/۹۴

۴- **استعاره:** همان شکل فشرده تشبیه است که پایه و اساس آن بر ایجاز و پرهیز از تکرار است زیباترین توصیفی که بر این صنعت آورده شده عبارت است از «مجاز را با تشبیه تزویج کردند و از آن استعاره تولد شد» (نشاط، ۱۳۴۲: ۳۰۸)

استعاره مجرده: در این نوع استعاره مشبه همراه با حداقل یکی از ملائمت خود مشبه ذکر می‌گردد.

پشیمان می‌شود زود از عطای خویشتن گردون
 چو خودگر قرص نانی صبح بخشد شام می‌گیرد
 (شفیعی شیرازی، ۱۳۷۲: ۹۹)

رص نان استعاره از خورشید

در وطن نظم ندارد قرب چون در نجف
 از کساد می برم این تحفه را جای دگر
 (ص ۲۱۷)

تحفه استعاره از شعر

استعاره مرشحه: اساس این استعاره بر این است که مشبه به همراه با یکی از ملائمت خود مشبه به ذکر شود.

کشتی اش را شوربختی ها به گرداب افکند
 آرزوی گردش گر کند بیمار ما
 (همان: ۴۹)

کشتی استعاره از عشق

به قصر عشرت و ایوان عیش شاهان بین
 که زاغ نغمه سرا گشت و جغد قافیه سنج
 (همان: ۷۴)

زاغ و جغد استعاره از انسانهای بی‌ارزش و پست

استعاره مطلقه: در این نوع استعاره مشبه به ذکر گردیده و همراه آن هم ملائمت مشبه به و هم از ملائمت مشبه چیزی آورده شود.

از فیض انبساط گل و سبزه جسم خاک
 پوشیده است خلعت زربفت بوته دار
 (همان: ۲۱۰)

خلعت زربفت استعاره از گل‌ها

آورد بهر تقویت قول صایبم بادامی از دو مغز نهال سخن ببار
(همان: ۲۱۴)

بادام استعاره از نکته

استعاره مکنیه تخیلیه: در استعاره اصل بر این است که مشبه به ذکر شود اما در این نوع استعاره مشبه همرا با ملائمت مشبه به ذکر می شود که به دو صورت اضافی و غیر اضافی می باشد. (شمیسا، ۱۳۹۸: ۵۹) در آثار شفیعی شیرازی به صورت اضافی وجود دارد.

پای جرئت نمی گذارد پیش خصم را بسکه بیم جان باشد
(همان: ۲۰۹)

بوی کبابی از جگر لاله بر نخواست این داغهای ساختگی را چه اعتبار
(همان: ۲۱۳)

جدول شماره ۷: استعاره

انواع استعاره	بسامد	درصد
مصرحه مجرده	۵۵	۲۹/۴۱
مصرحه مرشحه	۳۹	۲۰/۸۵
مصرحه مطلقه	۴۳	۲۲/۹۹
استعاره مکنیه	۵۰	۲۶/۷۳

نتیجه گیری

پس از انجام بررسی های لازم می توان گفت که مؤلفه های بیانی در شعر شفیعی شیرازی نمود نسبتاً خوبی دارد و به نتایج زیر دست یافت.

۱. ساده ترین و پویاترین تشبیهات در اشعار شاعر م توان ملاحظه کرد با صرف نظر از بسامد انواع تشبیه از جمله: تسویه، جمع، ملفوف، معکوس، مضمر، شرطی، مقید، عقلی به حسی، حسی به حسی، مجمل، مفصل و ... در دیوانش به کار برده است. از میان تشبیهات موجود بیشترین بسامد مربوط، اضافه تشبیهی و تمثیل است که حدود شصت درصد دیوان شاعر را این نوع تشبیهات پوشش میدهد شاعر از این مؤلفه بیانی که لازمه سبک شعری اش است به خوبی بهره گرفته، شفیعی شیرازی نگرشی عمیق و اندیشه ای دقیق دارد که هر نوع عنصری میتوان در تشبیهاتش پیدا کرد مانند اشیاء قیمتی، اجزا بدن انسان، شخصیت ها، گل و گیاهان و سایر موضوعات متفرقه که دریچه مسدود اندیشه های تکراری را به سمت هوایی تازه و مضامین بکر میگشاید.

۲. دیگر مؤلفه های بیانی چون استعاره، کنایه و مجاز در شعر شفیعی شیرازی از بسامد کمتری برخوردار است که جای هیچ خرده ای بر شاعر نیست چرا که شاعر بار ادبی بودن اثرش را متناسب با سبک شعری دوره اش و به موازای آن با تشبیه به خوبی ادا کرده است. شاعر حدود پنج درصد مؤلفه بیانی مجاز، پانزده درصد استعاره و بیست درصد کنایه بهره گرفته است نکته ای میتوان درباره وی گفت این است که شاعر مواضع ادبی اثرش را به خوبی

دریافته و به طور ظریفانه در موقعیت‌های لازم از این مؤلفه اگرچه با بسامد کم نهایت بهره را برده و اثرش را از حیث ادبی بودن پربار و غنی کرده است.

مشارکت نویسندگان

این پژوهش از رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه سیستان و بلوچستان استخراج شده است. آقای دکتر عباس نیکبخت راهنمایی این رساله را برعهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه و نویسنده مسئول بوده‌اند. آقای دکتر محمدمیر مشهدی به عنوان مشاور و سرکار خانم عاطفه آب آذر دانشجوی دوره دکتری پژوهشگران این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از سردبیر محترم، مدیر مسئول و همکاران گرامی نشریه سبک شناسی نظم و نثر نیز کارکنان گروه محترم زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان اعلام نمایند.

تعارض منافع

پژوهشگران این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمام نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت گرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Ibn Athir (1999), *Al-Muthal al-Sa'ir in the Literature of the Writer and the Shayar*, first edition, Beirut: Al-Muktabah al-Asriya.
- Ibn Rashiqa Qayrawani, Abu Ali Hassan (1953), *Al-Umda fi Mahasin al-Sha'ar wa al-Adaba' wa al-Naqdeh*. Edited by Muhammad Muhyi al-Din Abdul Hamid, Egypt
- Pournamdarian, Taqi (2002), *Safar dar meh (A Meditation on Shamlu's Poetry)*, Tehran: Negah.
- Tajlil, Jalil (1991), *Ma'ani va Bayan*, Tehran: University Publishing Center.
- Taghavi, Seyyed Nasrallah (1984), *Norm of Speech (in the Art of Ma'ani va Bayan and the Persian Novel*, second edition, Isfahan: Isfahan Cultural Center.
- Sarwatian, Behrouz (2004), *The Art of Expression in the Creation of Imagination*, first edition, Tehran: Amir Kabir.
- Jorjani, Abdolqaher (2005), *The Secrets of Eloquence*, translated by Dr. Jalil Tajlil, first edition, Tehran: Tehran University Press.

- Rajaei, Mohammad Khalil (2009), *Ma'alem Eloquence*, Shiraz: Shiraz University.
- Shafi'i Shirazi, Mirza (2003), *Divan of Poetry*, first edition, Tehran: Barg. Shafi'i
- Kadkani, Mohammad Reza (2001), *Forms of Imagination*, third edition, Tehran: Zavar.
- Shamisa, Sirous (2019), *Expression and Meaning*, fourth edition, Tehran: Mitra.
- Shamisa, Sirous (2002), *Expression*, ninth edition, Tehran: Ferdows .
- Alavi Moghadam, Mohammad and Ashrafzadeh, Reza (1402), *Meanings and Expression*, Tehran: Tous
- Futouhi, Mahmoud (2001), *Rhetoric of Image*, Tehran: Sokhan.
- Qasemi, Reza (2011), *Comparative Meanings of Expression*, Tehran: Ferdowsi.
- Nasir al-Din Tusi, Muhammad ibn Muhammad (1940), *Basis of Quotation*, edited by Modarres Razavi, Tehran: University of Tehran.
- Neshat, Seyyed Mahmoud (1963), *Zeeb Sokhan or Badi'e Parsi*, Tehran: Rangin Printing House.
- Nasirian, Yadollah (2001), *The Science of Rhetoric and the Miracle of the Quran*, Tehran: Samt.
- Hashemi, Ahmad (2008), *Jawaher al-Balaghah*, translated by Hassan Erfan, Qom: Rhetoric.
- Homaie, Jalal al-Din (1989), *Rhetoric Techniques and Literary Crafts*, Tehran: Homa.
- Va'ez Kashfi Sabzevari, Kamal al-Din Hossein (1989), *Bada'e al-Ifkar fi Sanayi al-Ashar*, edited by Mir Jalal al-Din Kazazi, first edition, Tehran: Nashhar.
- Article
- Theses and
- Eskandari, Muhammad Hossein (1972), "Imaginary Images in Hafez's Poetry", Master's Thesis, University of Tehran, pp. 1-245.
- Ghareh Daghi-Karaleh, Fariba and Khosravi, Hossein (2017), "A Study of Simile in Anvari's Poems", *Specialized Quarterly Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (Bahar Adab)*, Vol. 1, pp. 247-229.
- Mohammadidi Moghadam, Kobra (2013), "Imaginary Images in the Ghazals of Naziri Neyshaburi", supervisor Dr. Alireza Shohani, Master's thesis, University of Ilam, pp. 2-94
- Mortezaei, Javad (2012), "Representation, Image or Creative Industry", *Researches in Persian Language and Literature*, Faculty of Literature and Humanities, Vol. 4, pp. 29-38.
- Vahidian Kamyar, Taqi (1996), "Imitation, Painting of Language". *Academy Newsletter*, No. 3, pp. 54-69.

فهرست منابع فارسی

ابن اثیر (۱۹۹۹م)، المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر، چاپ اول، بیروت: المكتبة العصرية.

ابن رشیق قیروانی، ابوعلی حسن (۱۹۵۳)، العمده فی محاسن الشعر و آدابه و نقده. به تصحیح محمد محیی الدین عبدالحمید، مصر.

پورنامداریان، تقی (۱۳۸۱)، سفر در مه (تأملی در شعر شاملو)، تهران: نگاه.

تجلیل، جلیل (۱۳۷۰)، معانی و بیان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

تقوی، سید نصرالله (۱۳۶۳)، هنجار گفتار (در فن معانی بیان و بدیع فارسی)، چاپ دوم، اصفهان: فرهنگسرای اصفهان.

ثروتیان، بهروز (۱۳۸۳)، فن بیان در آفرینش خیال، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.

جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۷۴)، اسرار البلاغه، ترجمه دکتر جلیل تجلیل، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

رجائی، محمد خلیل (۱۳۵۸)، معالم البلاغه، شیراز: دانشگاه شیراز.

شفیعی شیرازی، میرزا (۱۳۷۲)، دیوان شعر، چاپ اول، تهران: برگ.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۰)، صور خیال، چاپ سوم، تهران: زوار.

شمیسا، سیروس (۱۳۹۸)، بیان و معانی، چاپ چهارم، تهران: میترا.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۱)، بیان، چاپ نهم، تهران: فردوس

علوی مقدم، محمد و اشرف زاده، رضا (۱۴۰۲)، معانی و بیان، تهران: توس

فتوحی، محمود (۱۳۷۹)، بلاغت تصویر، تهران: سخن.

قاسمی، رضا (۱۳۸۹)، معانی بیان تطبیقی، تهران: فردوسی.

نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۳۲۹)، اساس الاقتباس، به تصحیح مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.

نشاط، سید محمود (۱۳۴۲)، زیب سخن یا بدیع پارسی، تهران: چاپخانه رنگین.

نصیریان، یدالله (۱۳۸۰)، علوم بلاغت و اعجاز قرآن، تهران: سمت.

هاشمی، احمد (۱۳۸۷)، جواهرالبلاغه، ترجمه حسن عرفان، قم: بلاغت

همایی، جلال الدین (۱۳۶۸)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: هما

واعظ کاشفی سبزواری، کمال الدین حسین (۱۳۶۹)، بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، تصحیح میرجلال الدین

کزازی، چاپ اول، تهران: نشر.

پایان نامه‌ها و مقالات

اسکندری، محمدحسین (۱۳۵۱)، «صورخیال در شعر حافظ»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران،

صص ۲۴۵-۱.

قره داغی کراه، فریبا و خسروی، حسین (۱۳۹۶)، «بررسی تشبیه در اشعار انوری»، فصلنامه تخصصی سبک

شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ش ۱، صص ۲۴۷-۲۲۹.

محمدی مقدم، کبری (۱۳۹۲)، «صورخیال در غزلیات نظیری نیشابوری»، استاد راهنما دکتر علیرضا شوهانی،

پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ایلام، صص ۹۴-۲.

مرتضایی، جواد (۱۳۹۰)، «تمثیل، تصویر یا صنعت بدیعی»، پژوهش‌هایی زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۴، صص ۳۸-۲۹.

وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۵)، «کنایه، نقاشی زبان». نامه فرهنگستان، شماره ۳، صص ۵۴-۶۹.

معرفی نویسندگان

عاطف آب‌آذر: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

(Email: atefehabazar8@gmail.com)

(ORCID: 0009-0007-1750-4036)

عباس نیک‌بخت: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

(Email: nikbakht-a@lihu.usb.ac.ir : نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0003-2474-7996)

محمدامیر مشهدی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

(Email: Mashhadi@lihu.usb.ac.ir)

(ORCID: 0000-0001-6591-3589)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Atefeh Abazar: PhD student in the Department of Persian Language and Literature, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

(Email: atefehabazar8@gmail.com)

(ORCID: 0009-0007-1750-4036)

Abbas Nikbakht: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

(Email: nikbakht-a@lihu.usb.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0003-2474-7996)

Mohammad Amir Mashhadi: Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

(Email: Mashhadi@lihu.usb.ac.ir)

(ORCID: 0000-0001-6591-3589)